

## چرا مذاکره موشکی و منطقه‌ای نمی‌کنیم؟

صفحه ۵

دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶ ■ اول ربیع‌الاول ۱۴۳۹ ■ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ ■ سال دهم ■ شماره ۲۲۰۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۸ سال و ۳۴۷ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2309 ■ Mon.Nov.20, 2017 ■ ISSN:2008-2886

صفحه ۱۵

## ۲ فرزند حریری گروگان سعودی ماندند

نخست‌وزیر لبنان از ریاض به پاریس رفت

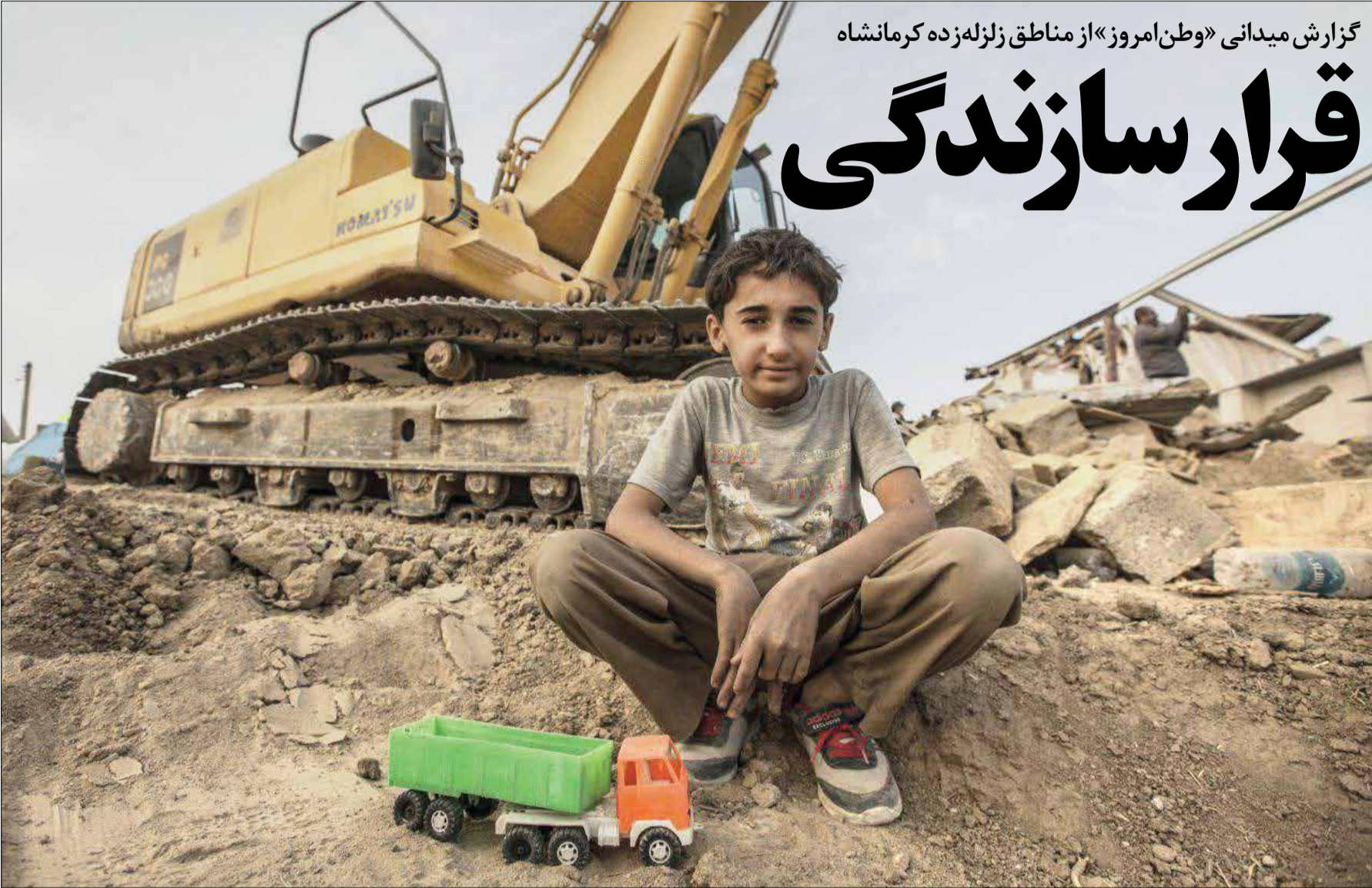
روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



گزارش میدانی «وطن امروز» از مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

# قرار سازندگی



عکس: پوریا اسرار، وطن امروز

تیتراهای امروز

کاخ سفید: رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه درباره مقابله با ایران توافق کردند

## تخم لُق ترامپ

■ چراغ سبز مکررون به ایده ترامپ مبنی بر افزایش فشار بر ایران

صفحه ۲

وزرای خارجه ایران، روسیه و ترکیه درباره بحران سوریه به گفت‌وگو نشستند

## نبرد در البوکمال مذاکره در آنتالیا

■ المیادین: فرماندهی عملیات آزادسازی البوکمال از دست داعش مستقیما توسط سردار سلیمانی هدایت شده است

صفحه ۲

همزمان با ایام شهادت امام رضا(ع) صورت گرفت

## ۴ میلیون زائر در مشهد مقدس

صفحه ۴

«وطن امروز» از سیل کمک‌های مردمی برای آسیب‌دیدگان زلزله غرب کشور گزارش می‌دهد

## سنگ تمام مردم

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از سفر اهالی فرهنگ و هنر انقلاب به مناطق زلزله‌زده

## رنگ ماتم، بوی امید

صفحه ۱۳

روزنه

از هواپیمای فرانسوی تا کمک ۱۰۰ میلیون دلاری ولیعهد ابوظبلی به زلزله‌زدگان ایران

## داغ، تلخ، جذاب؛ مثل شایعه

**علی مرادخانی:** یکی از چیزهایی که همیشه در کشور ما بویژه در پدیده‌های اجتماعی و بعضا سیاسی شکل می‌گیرد شایعه است. چه باور داشته باشیم و چه نداشته باشیم، ملت ما جزو مردمی محسوب می‌شوند که هم به شایعات توجه می‌کنند، هم بعضا به آنها دامن می‌زنند و هم از همه بدتر گاهی بر اساس آنها تحلیل و قضاوت می‌کنند. فرقی هم ندارد که این اتفاق، درباره یک پدیده فرهنگی باشد یا یک رجل سیاسی. ما شایعات را می‌شنویم، آنها را در گروه‌های مختلف فضای مجازی نشر می‌دهیم و همان‌ها را معیار سنجش و قضاوت خود می‌کنیم؛ حتی اگر در ظاهر تمام این موارد را منکر شویم ولی واقعیت جامعه نشان از حقیقت دیگری دارد.

از تحلیل‌های داخل تاکسی که فلانی می‌خواهد توی پیاده‌روها بین زنان و مردان دیوار بکشد در سال‌های دور تا شایعات محیرالعقول درباره موجودات عجیب‌الخلق در کشور که گاهی سر زبان‌ها می‌افتد و قس علی هذا.

بعد از وقوع زمین‌لرزه تاترین‌انگیز غرب کشور و جان باختن صدها تن از هموطنان‌مان در این واقعه تلخ نیز این قطار شایعات بود که زودتر از هر چیزی حرکت کرد و متأسفانه عده زیادی هم بر آن سوار شدند.

کافی است نگاهی به شبکه‌های اجتماعی بیندازید تا حرف و حدیث‌هایی را که درباره کرمانشاه نوشته شده و دست به دست چرخید ببینید. کشته شدن ۱۰۰ نفر و تخریب کامل مسکن مهر شهرهای کرمانشاه و سرپل‌ذهاب، ورود هواپیمای امدادی کشور فرانسه به فرودگاه کرمانشاه، کمک ۱۰۰ میلیون دلاری ولیعهد ابوظبلی به زلزله‌زدگان کشورمان...

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست

جناب آقای مجید زین‌العابدین

مدیریت محترم شبکه ۵ سیما

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران الهی و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت دارم.

حمیدرضا مقدم‌فر

**محمدرضا کردلو:** زلزله کرمانشاه را چگونه تحلیل می‌کنید؟ اطلاعات شما محدود است یا دسترسی‌های فراوانی به منابع خبیر دارید؟ چه کسی برای‌تان اخبار موق می‌آورد؟ به صداوسیما اعتماد می‌کنید یا شبکه‌های اجتماعی را به عنوان مرجع اخبار انتخاب می‌کنید؟ همه اینها در نوع تصمیم‌گیری شما به عنوان یک مخاطب که دوست دارد در این حادثه حضور فعال داشته باشد، تاثیر می‌گذارد. شما انتخاب می‌کنید خود در صحنه حضور پیدا کنید یا نه. نیروهای در صحنه زیاندد و شما فقط کافی است در همین تهران یا مراکز شهرهای دیگر تا سرکوجه بروید و کمک‌های‌تان را به نخستین پایگاه امدادی برسانید. شاید هم انتخاب‌های دیگری داشته باشید. این انتخاب وقتی در مقیاس یک جمعیت ۸۰ میلیونی قرار می‌گیرد، انتخاب شدت مهمی است. انتخاب‌هایی که حالا در زلزله کرمانشاه به مسأله هم تبدیل می‌شود. شبکه‌های اجتماعی نیز که امروز به جهت‌دهندگان افکار عمومی تبدیل شده‌اند، هرکدام از این انتخاب‌ها را که بخواهند، دانسته یا ندانسته به اولویت تبدیل می‌کنند. حال آنکه فارغ از حضور یا عدم حضور، مسائل دیگری نیز در این چرخه شبکه‌های اجتماعی با سرعت مطرح می‌شود. مسائلی که شما باور می‌کنید اما مرجع موثقی برای اینکه بدانید درست است یا غلط پیدا نمی‌کنید. برای کسانی که تجربه زلزله نداشته‌اند و زلزله را در تصاویر منتشر شده در رسانه‌ها معنا می‌کنند، شاید زلزله و اتفاقات بعد از آن طوری تفسیر شود که گویی همه امدادسانی، خارج کردن درگذشتگان از زیر آوار است. اینطور تصور می‌کنند که هیچ امداد دیگری در حین زلزله و پس از آن مهم نیست. به همین جهت تصاویری که ارسال می‌شود هم مهم است. شهرها نیز به جهت موقعیت دسترسی اولین نقاطی هستند که دوربین‌ها به آنها سرآزیر می‌شود و در ساعات و حتی روزهای اول زلزله کمتر کسی از جزئیات اخبار روستاها مطلع است. سیاه به جهت آشنایی با منطقه، مسؤولیت رسیدگی به روستاها را برعهده می‌گیرد و بی‌آنکه توجهی به های و هوی اخبار داشته باشند، امدادهای اولیه را در روستاها آغاز می‌کند. اولین چادرها در سطح روستاها را سیاه توزیع می‌کند، اولین تجهیزات آواربرداری را به روستاها منتقل می‌کند و همینطور اولین بسته‌های غذایی را. مسؤولیت بیش از ۳۰۰ روستا با درصد آسیب بالا با آنهاست و همین سختی کار و البته «دیده نشدن در رسانه» را افزایش می‌دهد. همین موضوع بستری برای دروغ‌گویی‌ها و تهمت‌ها می‌شود. و اینجا هم برخی رسانه‌های داخلی با گزارش‌های جهت‌دار فرصت تخریب را مغتنم شمرند، حال آنکه سرهنگ‌ها داشتند کار خودشان را می‌کردند.

شب سوم زلزله بنا شد با بخشدار مرکزی سرپل ذهاب و فرمانده لشکر ۲۹ نبی‌اکرم، برای توزیع چادر در مناطقی که در مرحله اول توزیع، چادرهای کمتری دریافت کرده‌اند، به چند روستای منطقه برویم. کار توزیع شبانه انجام می‌شد تا خانواده‌های جا نماند. آن هم به علت اتفاقاتی بود که در طول روز در جریان توزیع کمک‌هایی از جنس چادر، می‌افتاد. مانند حضور افراد سودجو، ایجاد ازدحام و البته غارت چادر از سوی کسانی که صرفا برای سرعت به منطقه آمده بودند. فرمانده لشکر نبی‌اکرم سرپل ذهاب پشت فرمان نشست. من که می‌خواستم همراه‌اش باشم، به زور توی ماشین پریدم. آقای بخشدار و من جلو نشستیم. جا تنگ بود و مدام بخشدار از من عذرخواهی می‌کرد. در آن وضعیت می‌گفت: «شما میهمان ما هستید. ببخشید جای‌تان تنگ شده». گفتم: «توی این وضعیت این چه حرفی است. خدا کند مزاحم نباشیم و کمکی از دست‌مان بریاید». بخشدار نماینده دولت بود و فرمانده لشکر هم متناسب به سیاه. همکاری‌شان

در اوج بود برای کمک؛ بی‌آنکه ادا و نمایش باشد. آقای صادقی می‌گفت: «حاجی (منظورش سردار احمدی‌پور بود) ۳ شب است نخوابیده.» و سردار هم که پشت فرمان بود، نگاه معناداری می‌کرد به آقای صادقی (بخشدار) که: چرا اینها را می‌گویید! در راه شایعه‌هایی را که حول محور سیاه بود می‌گفتم تا ببینم چه واکنشی نشان می‌دهند. سردار حواش به جاده بود و شاید سری هم تکان می‌داد اما آقای بخشدار می‌گفت: «رسانه چه اهمیت دارد وقتی مردم خودشان حاجی را پشت فرمان می‌بینند و در حال کمک.»

من می‌گفتم: «موثر است آقای صادقی. حتی روی مردم منطقه که برخی از این اخبار دروغ را می‌شنوند هم موثر است. وقتی فیلمی درست کنند و داخلش بگویند «سیاه کمپون‌های چادر را به سوریه می‌فرستد» ممکن است باور کنند.» یکی از پاسدارهایی که عقب نشسته بود، گفت: «من خودم بچه این منطقه هستم. سردار و دیگری هم که کار می‌کنند همینطور. چطور می‌توانیم مردمی

را که صبح تا شب باهانشان سلام علیک و حال و احوال داریم محروم نگه داریم؟! آخه دروغ تا کجا!» گرم همین حرف‌ها رسیدیم به یکی از روستاها. سردار گفت: «پیاده شوید اینجا چندتایی خانواده هستند که بازم نیاز به چادر دارند.» ماشین توقف نکرده بود که مردم دورش جمع شدند. مدت زمان حال و احوال و سلام علیک‌شان با سردار در آن ساعت شب و در آن وضعیت برابم عجیب بود. باقی روستاها هم همینطور. عمده روستاهایی که رفتیم هم اهل سنت بودند. کار تا ۳ و ۲ صبح طول کشید. در نظرم بود از سلام و احوال‌پرسی فرمانده سیاه آنجا با مردم فیلم بگیرم. گفتم این رسانه معاند که بلد است هر چیزی را تخریب کند، حتما پای این فیلم هم کامنت خواهد گذاشت که دوربین همیشه همراه فرماندهان سیاه وجود دارد. دشمنی‌اش که تمام نمی‌شود. همینطور می‌نویسد و تخریب می‌کند.

در روزهای بعد برای مرحله دوم آواربرداری که قرار بود وسایل منزل و احشام زلزله‌زدگان از زیر

نما

### نشست مشترک فرماندهان نیروی زمینی ارتش و سیاه

به زلزله‌زدگان استفاده کردند. وی افزود: ارتش در امنیت شهرهای محل زلزله نقش مهمی را ایفا کرد. مجموعا ارتش و سیاه نقش مهمی را در کمک به زلزله‌زدگان داشتند و مردم شاهدی بر این موضوع هستند. فرمانده نیروی زمینی سیاه با تاکید بر اینکه فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران یکی از افراد قابل و بافهم نیروهای مسلح است، تاکید کرد: فرماندهان عزیز ارتش از برادران عزیز، فهیم و کاران و متخصصی هستند و وقتی این عزیزان پای کار باشند، مسیر رو به پیشرفت خواهد بود. سردار پاکپور با بیان اینکه هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در کمک به زلزله‌زدگان ایفا کرد، گفت: ارتش با همه تجهیزات خود برای کمک به زلزله‌زدگان وارد مناطق زلزله‌زده شد و بعد از چند روز با اقدامات ارتش و سیاه شاهد یک آرامش در مناطق زلزله‌زده هستیم. وی در پاسخ به این سوال که چه اقداماتی به صورت مشترک بین ارتش و سیاه در مناطق زلزله‌زده انجام خواهد شد، گفت: ما همه کارهای‌مان مشترک است و ما و ارتش نداریم. در بحث زلزله کار مشترک بین نیروهای مسلح انجام شده است و امدادسانی به مجروحان و مصدومان حضور دارند. سردار پاکپور با بیان ابعاد خدمات ارتش جمهوری اسلامی ایران در کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور یادآور شد: برادران عزیز ارتش جمهوری اسلامی ایران همه امکانات و ادوات مهندسی خود برای کمک

داشت: ارتش و سیاه یک لشکر الهی هستند و این ریشه در شعور و اتحاد ما نظامی‌ها دارد. من و سردار پاکپور یک روح در ۲ جسم هستیم و این نشان‌دهنده اتحاد و همدلی ارتش و سیاه است. فرمانده نیروی زمینی ارتش تاکید کرد: سایر فرماندهان ما هم این عقیده را دارند که ارتش و سیاه یک لشکر الهی و متحد هستند. امیر حیدری با بیان اینکه حجم و خسارت زلزله سنگین بوده، عنوان داشت: حجم این زلزله ۱۹۰۰ روستا را تحت تاثیر قرار داده و نیروی زمینی سیاه و برادر عزیزم سردار پاکپور به ۱۹۰۰ روستا با هوشمندی و تدبیر امدادسانی کرده‌اند. نیروی زمینی سیاه کمک کرده در ۱۹۰۰ روستا جان مردم عزیزمان نجات یابد و زمینه اسکان موقت را برای زلزله‌زدگان در روستا فراهم کرده است. فرمانده نیروی زمینی ارتش تاکید کرد: اقدامات نیروی زمینی سیاه در کمک به زلزله‌زدگان در منطقه غرب کشور بی‌نظیر است؛ به این دلیل که نیروی زمینی سیاه توانسته در ۱۹۰۰ نقطه با قدرت و سرعت امدادسانی را انجام دهد. وی با اشاره به رهنمودها و توصیه‌های مقام معظم رهبری در نیروهای مسلح برای کمک به زلزله‌زدگان گفت: خدا را شکر می‌کنیم که در نیروی مسلحی خدمت می‌کنیم که رهبری مدیر، مدبر و دانشمند در راس کار قرار دارد و با تدبیر ایشان ما به سرعت خود را برای کمک به زلزله‌زدگان به منطقه رساندیم.

آوار خارج شود، همراه یکی از ماشین‌های مهندسی نیروی زمینی سیاه به یکی از روستاهایی که درصد تخریب زیادی داشت رفتیم. این هم از خدمتانی بود که در این مرحله کسی به آن توجه نمی‌کرد و اصلا دیده نمی‌شد. مثلا در خیلی از فیلم‌های تظلیع شده‌ای که از منطقه و برای تخریب کلیت امدادسانی ارسال می‌شود، جالب است پشت سر کسانی که صحبت می‌کنند، بولدوزرهای سیاه در حال کار کردن هستند و کامیون کامیون آوار را پر و خالی می‌کنند اما نتیجه‌گیری فیلم این است که «سیاه کمکی نکرده و آنجا حضور ندارد». حال آنکه یکی از اساسی‌ترین کارهایی را که دارد اتفاق می‌افتد، بچه‌های مهندسی نیروی زمینی سیاه دارند رقم می‌زنند. اتفاقا در این حوزه هم هیچ انترناتیوی برای سیاه وجود ندارد و خودش است و خودش. بیش از ۱۲۰۰ دستگاه مهندسی طی روزهای گذشته تقریبا عمده روستاهای مناطق زلزله‌زده به وسعت ۱۵۰ کیلومتر در ۸۰ کیلومتر را پوشش داده‌اند و هنوز هم مشغول فعالیتند و اتفاقا جنس کارشان هم به شکلی است که بعدها بیشتر قدر دانسته می‌شود. اقدامی که عملیات مهندسی در روزهای چهارم و پنجم آواربرداری برای خارج کردن احشام صورت داد، یکی از مهم‌ترین کارهایی بود که باید انجام می‌شد، چرا که تغفن دام‌ها و در پیش رو داشتن روزهای بارانی می‌توانست بیماری‌های فراوانی را در منطقه منتقل کند که جهادگران مهندسی از آن پیشگیری کردند. این روزها هم اولین کلنکس‌های سرویس بهداشتی و حمام که یکی از الزامات اساسی برای ادامه زندگی در شرایط اضطراری منطقه است، توسط سیاه به منطقه منتقل شد. اتفاقاتی که در شبکه‌های اجتماعی شاید جذابیت اخبار دیگر را نداشته باشد. هیچانات سلبریتی‌ها که فروکش کند و جهت اخبار عمومی کم‌کم از زلزله کرمانشاه به سمت و سوی دیگری برود، مسأله‌های اساسی‌تر این خواهد بود: چه کسی کنار این مردم خواهد ماند؟ کدام ارگان خانه‌های‌شان را خواهد ساخت؟ چه کسی دیوارهای‌شان را بالا خواهد برد؟ آمیدی که با تولد یک کودک در بیمارستان صحرائی شگفته می‌شود، چگونه استمرار می‌یابد؟ جواش را همه می‌دانند. احساسات و عواطف دوست‌داشتنی مردم و کمک‌های خارج از حد توصیف‌شان افتخار ایران و ایرانی است. من بارها در روزهای حضورم در روستاها و سرپل ذهاب از این شور، اشک شوق ریختم و به «مردم» بالیدم اما غم‌نام گرفت چرا خدمات پر تعداد و غیرقابل قیاسی که مجموعه نهادهای کشور در این زلزله صورت دادند، با بی‌انصافی مواجه شد. رفتن به نقاطی که هیچ اتومبیل شخصی نمی‌تواند برود و امدادسانی به مردمی را که تاکنون هیچ دوربینی تصویر آنها را نشان نداده، چگونه می‌شود مورد بی‌انصافی قرار داد؟